

من از شما پنهان نخواهم کرد هر گاه پیشنهاد من به هیئت وزراء برای تصویب قرارداد جدید مورد پشتیبانی اعلیحضرت همایونی قرار نمی گرفت از طرف آن هیئت مواجه با مشکلات زیادی می شدم زیرا آنها ملاحظه می کنند و هنوز هم معتقد هستند که دعاوی دولت شاهنشاهی ایران بمراتب بیش از یک میلیون لیره می باشد که کمپانی برای تصفیۀ دعاوی سنوات گذشته ایران موافقت کرده بپردازد. علی الخصوص دلیلی دیده نشده که در این مبلغ جمع شده و متراکم از سالیان قبل (یعنی یک میلیون لیره) بابت مالیات سال گذشته شرکت نفت به دولت انگلیس چیزی منظور نشده باشد و نیز مخفی نماند که خود من هم با نظر آنان موافق می باشم و از اینکه نسبت به تقاضای من برای افزایش یک میلیون لیره توجهی نشده است ولی خواسته و نظر اعلیحضرت همایونی این مشکلات را برطرف کرده است بطوریکه ملاحظه می کنید اینک هیئت وزراء قرارداد را تصویب کرده و هیچگونه مانعی برای امضاء آن وجود ندارد. حالا که می بینم استدعای من برای ازدیاد یک میلیون لیره مورد قبول واقع نشده نباید بیش از این اصرار کنم. با وجود این خواهشمندم بار دیگر موضوع را مورد توجه قرار داده و این تقاضای خصوصی مرا بپذیرید.

من تصمیم گرفته ام موزه ای در تهران تأسیس کنم. برای شروع کار و بنای آن در حدود پنجاه هزار لیره لازم است. هر گاه این نقشه من بصورت عمل درآید بی اندازه خوشحال خواهم شد. اینک بعنوان یک دوست از شما استدعا دارم وجه نامبرده را علاوه بر یک میلیون لیره در اختیار من بگذارید من یقین دارم هم قطاران شما نیز که تاکنون این همه محبت نسبت بمن کرده اند از بذل این عنایت مضایقه نخواهند کرد. مضافاً بر اینکه با اختیار و اقتداری که شما دارید پشتیبان این دوستدار خواهید بود. آیا می توانم روی حمایت شما و تأیید همقطارهایتان حساب کنم؟

به امید جواب مساعدتان - استدعا دارم مراتب بپذیرید.

تیمورتاش

سه نامه انتخاباتی از میان اوراق رکن الممالک

موقعی که رکن الممالک حاکم کاشان بود ملک الشعراى بهار مدیر روزنامه نوبهار نامهای (به خط منشی اداره روزنامه نوبهار) درباره انتخابات نوشته و بنحوی علاقۀ خود را نسبت به انتخاب شدن جلیل الملك از آن شهر ابراز داشته است. در حقیقت توصیه ای است به حاکم وقت برای دخالت او در انتخابات. باید دانست که ملک الشعرا و رکن الممالک هر دو عضو حزب دموکرات بوده اند. عکس این نامه چوچ به خط خوشی است در صفحه بعد کلیشه شده است.

دیگر نامهای است از عبدالله یاسائی صدرالادبا در زمانی که رکن الممالک حاکم سمنان بوده است. این نامه ها تا حدودی گویای وضع انتخابات در ایران است. باید

دانست که عبدالله یاسائی در دوره پنجم و ششم از سمنان و دامغان و کیل مجلس بود. (صفحه ۱۹۷ بخش عکسها دیده شود)

دیگر نامه‌ای است از یکی از اعضای وزارت داخله که درون پاکت وزارت داخله به سمنان ارسال شده است. (صفحه ۱۹۸ بخش عکسها دیده شود)

(۳)

۱۹ اسفند ماه ۱۳۰۴

تصدقت شوم خیلی متأسفم که بنده را هنوز نشناخته بعضی تصورات فرموده‌اید. به‌خدا قسم دارائی بنده عبارت از چهارصد تومان قرض است. زندگانی بنده را همه می‌دانند. مادی بودن را هم همه می‌دانند که چه حدی دارد. هنوز ننگ بیشرافی، رشوه خواری را در امور قضائی و سیاسی برخورد هموار نکرده‌ام. خوب است قدری تحقیق فرمائید.

آقای محترم بنده به‌فضیلت اخلاقی و علمی حضرت والا عقیده‌مند هستم، در این مدت مأموریت حضرت والا ارادتمندی خودم را به‌شهادت اولیای وزارت داخله محفوظ داشته‌ام. آیا شایسته است که در این موقع به‌خیال خودتان شکاکی را در حال جنایت گیر آورید. عجب اشتباه می‌فرموده‌اید. به‌رحال دو روز است خبری ندارم. امیدوارم برخلاف مصالح نوعی اقدام نشود و اشاعات و اظهارات ارباب دسائیس هم مؤثر نگردد. بنده تا آخرین دقیقه که ممکن باشد رشته ارادتم را پاره نمی‌کنم. بیش از این هم توضیحی ندارم. تصور می‌کردم صمیمیت چاکر قدر و قیمتی دارد. حالا معلوم شد خیال فرموده‌اید که موقعیت را به‌این زودی گم کرده‌ام. آیا احتمال فلفلی نیش غولی هم نمی‌دهید که این‌طور نباشد. بیش از این عرضی ندارم. ایام جلالت مستدام باد.

عبدالله یاسائی

قریانت شوم الان تلگراف رسید که انجمن نظار را تشکیل داده‌اید. خیلی متشکرم و از آنچه فوقاً عرض کرده‌ام معذرت می‌خواهم. اگر هم شکایتی برسد دفاع می‌شود. لابد فوری هیئت عامله را معین نموده‌اند و تلگرافاً نظار را معرفی فرموده‌اید، باقی مسائل را با پست عرضه می‌دارم. امروز مدتی در خدمت آقای حاج شرف‌الملک بودم ذکر خیر حضرت والا دربین بود.

(۳)

قریانت شوم گرچه اغلب در ضمن مسائل اداری از زیارت خطوط محترم محظوظ و از جریان امور به‌گزارش حال مبارکتان پی‌می‌برم در هر صورت امیدوارم همیشه خوش و مقضی‌المرام بوده و هنگام فراق از مژده سلامتی نیز مسرورم فرمائید. بنده هم بحمدالله حال خوب ولی فوق‌العاده گرفتارم. خلاصه از مطلب دور نیستم. چیزی که در این موقع لازم بود دوستانه خدمتتان تذکر دهم موضوع انتخابات و کاندید و کالت دوره ششم انتخابات - البته خاطر محترم کاملاً مستحضر است که توده ملت بدبخت آن سامان در اثر فشارهای مادی و معنوی دستجات چپداری و نعمتی

همواره متمایل به انتخاب و کیلی از غیر اهل آنجا بوده که شاید به واسطه بیطرفی وعدم اعمال نظریات شخصی آنان چند روزی نسبتاً آسوده زیست نمایند و بر اثر همین نظریه در این دوره خوشبختانه قسمت مهم اهالی آنجا حضرت آقای رسا مدیر محترم جریده قانون را که یکی از صمیمی و بهترین رفقای بنده و حضرت والا است کاندید و کالت نموده و ایشان را به قبول این تقاضا متقاعد و البته به رفقای مرکزی معظم له نیز این تمایل اهالی را حسن استقبال و علاقه مندانه مورد تعقیب قرار داده اند و در این وقت که انتخابات در شرف انجام است لازم دیدم خاطر محترم را بدین نکته متذکر و امیدوارانه خواهش کنم که از هرگونه مساعدت و موافقت با معزیه الیه مضایقه نفرموده و علاوه بر حصول امتنان سایر دوستان و خود ایشان بر بنده در عالم ارادت و دوستی منت نهید. در خاتمه بشارت سلامتی و ارجاع خدمات لایقه مورد انتظار است.

درین موضوع رفقای دیگر هم به جناب عالی شروحو نوشته اند. بدیهی است با جدیت کاملی که در حضرت والا دوستان سراغ دارند همه انتظار مراحم را در این باب دارند.

نمونه‌ای از نامه نگاری رکن الممالک به فرزندش

هو

فرزند تصدقت کردم بعد از حرکت شما بفاصله چند روز آقای افشاری خودمان تلگرافی فرستاده بود که حکایت از وارد شدن شما و همراهان شما به سلامت می‌کرد، ولی مضمون غریبی بود که خطاب به افشاری آقای سنجری به سلامت با همراهان وارد شدند. امضای سنجری. اول قدری از مضمون تعجب کردم. ولی چیزی نفهمیدم. بعد از چند روز دیگر کاغذ شما رسید. معلوم شد تلگرافچی شیراز خیلی متجدد بود. ذکر لقب علت عدم مخابره نمی‌شود. نهایت این است. با نوشتن کلمه سابق اگر خیلی مقید باشد اصلاح می‌شود. امروز و هر روز در تمام جراید محلی ذکر اشخاص با عنوان لقب خوانده می‌شود. در بعضی می‌نویسند فلانکس سابق و در بعضی دیگر همان لقب تنها را می‌نویسند. بنده تعجب کردم مأمور توزیع پست چگونه توانسته است با عنوان حسینقلی سنجر شاه نیا خانه را پیدا کرده و پاکت را رسانده است.

باری از اینها بگذریم. همینکه بحمدالله تعالی به سلامت وارد شده‌اید جای شکر است. در باب نرسیدن اناثه، فرزندنی عباس میرزا رفته بود. قبل از وصول پاکت شما دیده بود فرستاده‌اند. تحقیقات لازمه را از گاراژ عبادی کرده، چون پاکت شما رسید دیدم تحقیق مجدد لازم نیست. امیدوارم آن هم تا وصول این ورقه به چند روز قبل رسیده باشد. عنوانات خصوصی مردم بجای خود باقی است. الغاء لقب را کسی انکار ندارد، ولی اگر ذکر نکنند مشکل این خواهد بود که شناخته نمی‌شود. به‌رحال خیلی چشم به راه هستیم که انتقال به مالیه را از مرقومه شما بخوانم که در نظر بنده مذاق بنده و سلیقه بنده کلمه انحصار با انتحار مساوی است. راستی با لذات از کلمه مزبوره نفرت دارم، اما نمی‌دانم چرا امیدوارم عنقریب این هم اصلاح شود. بمنه و کرمه.